

An Analysis of the Effect of Challenges and Conflicts Related to the Syrian Crisis on the National Security of the Islamic Republic of Iran

Mohammad Ebrahimi¹, Ali Mohseni², Abbas Borjoi Fard³

¹ Ph.D., Student, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
Abolfazl1384@yahoo.com

² Associate Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (**Corresponding author**), dr.amohseni@gmail.com

³ Ph.D., Student, National Security, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.
sndu.ac.ir@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to review challenges and conflicts related to the Syrian crisis on the national security of the Islamic Republic of Iran. The research method was descriptive-analytic and it was conducted using library sources and inferential and documentary approaches. The results convey that challenges and disputes related to the Syrian crisis have aspects more than just political disagreements or ethnic, identity, and religious challenges. They are rooted in the negative interference and competition of regional and super-regional powers to gain more penetration in the Middle East. The consequences of this process on the Islamic Republic of Iran include: threatening military, political, social, and economic security which creates serious challenges for the national security of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Syria, National Security, Islamic Republic of Ira, Iraq, Political Security.

Cite this article: Ebrahimi, M., Mohseni, A. & Borjoi Fard, A. (2023). An Analysis of the Effect of Challenges and Conflicts Related to the Syrian Crisis on the National Security of the Islamic Republic of Iran. *Iranian Political Research*, 10(2), 29-54. <https://doi.org/10.22034/sej.2023.1964977.1490>

Received: 2020/05/21 ; **Received in revised form:** 2020/06/09 ; **Accepted:** 2020/06/22 ; **Published online:** 2020/06/30

© The Author(s).

Publisher: Qom Islamic Azad University



تجزیه و تحلیل تأثیر چالش‌ها و منازعات بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمد ابراهیمی^۱، علی محسنی^۲، عباس برجویی‌فرد^۳ 

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Abolfazl1384@yahoo.com

^۲ دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

dr.amohseni@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری امنیت ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران.

sndu.ac.ir@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر چالش‌ها و منازعات بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از رویکردهای استنباطی و اسنادی انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که چالش‌ها و منازعات بحران سوریه ابعادی فراتر از ناراضی‌های سیاسی و چالش‌های قومی، هویت و مذهبی داخلی داشته، و ریشه در دخالت منفی و رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای کسب نفوذ بیشتر دارد. همچنین پیامدهای آن بر ترتیبات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: تهدیدات امنیت نظامی، تهدیدات امنیت سیاسی، تهدیدات امنیت اجتماعی، و تهدیدات امنیت اقتصادی. همه این موارد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با چالش جدی مواجه نموده است.

کلیدواژه‌ها: سوریه، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، عراق، امنیت سیاسی.

استناد به این مقاله: ابراهیمی، محمد؛ محسنی، علی؛ برجویی‌فرد، عباس (۱۴۰۲). تجزیه و تحلیل تأثیر چالش‌ها و منازعات بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۰(۲)، ص ۲۹-۵۴.

<https://doi.org/10.22034/sej.2023.1964977.1490>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰

© نویسنده‌گان. ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم



۱. مقدمه

بحران سوریه از سال ۲۰۱۱ میلادی و به دنبال وقوع موج اعتراضات، ابتدا به صورت اعتراض و کنش جمعی در شکل راهپیمایی مسالمت‌آمیز برای اصلاحات سیاسی بود، اما دلایلی مانند سرکوب معترضان، دخالت منفی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ظهور و گسترش جریان‌های سلفی تکفیری، باعث شدند که این حرکت به سرعت از جنبش اجتماعی با ماهیت اصلاح‌طلبانه، منحرف شده و به سمت آشوب و جنگ داخلی سوق داده شد. گسترش گروه‌های تکفیری، منطقه را با تهدیداتی مواجه ساخته و موجب شد هر یک از کشورهای منطقه، سیاست خاصی را در قبال بحران سوریه اتخاذ نمایند. با توجه به گستردگی بحران سوریه و تعدد و تأثیر بازیگران در این بحران، طبیعتاً این بحران همه کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار داده است (اکرمی‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۸۴). هر بحران و مسئله‌ای در خاورمیانه، هم خود کشورهای منطقه را متأثر می‌سازد و هم سیستم بین‌المللی را وادار به واکنش می‌کند. بحران سوریه و تبعات آن یکی از پیچیده‌ترین تحولات منطقه در چند دهه گذشته است که کل منطقه و محیط پیرامون آن را تحت تأثیر قرار داده است. سوریه از جمله کشورهایی است که تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست، موجب شکل‌گیری نوعی رقابت بین‌المللی برای مدیریت تحولات داخلی این کشور شده است. مهم‌ترین عارضه ژئوپلیتیک سوریه این است که در مجاورت مرزهای فلسطین، یعنی قلب خاورمیانه و کانون معادلات چند مجهولی این منطقه واقع شده است (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴-۱۰۳).

روابط کشورهای ایران و سوریه را می‌توان از قدیمی‌ترین روابط بین جمهوری اسلامی ایران و یک کشور عربی نام برد، که پس از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷)، دولت‌های ایران و سوریه علی‌رغم اینکه دارای نگرش‌های فکری و ایدئولوژی‌های متفاوتی بودند، ولی به واسطه اتخاذ مواضع مشترک پیرامون برخی مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، سطح روابط خود را در عرصه‌های سیاسی و بین‌المللی روز به روز گسترش دادند. از این‌رو بحران سوریه و تضعیف سوریه و سرنگونی نظام سیاسی آن باعث تضعیف محور مقاومت و کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و مهار آن می‌شود. جمهوری اسلامی ایران از آغاز شکل‌گیری بحران در سوریه، همواره حمایت از نظام سیاسی سوریه را به عنوان یکی از اولویت‌های مهم در سیاست خارجی خود پیگیری کرده است. با توجه به اهمیت این مسئله، مقام معظم رهبری در موضع‌گیری‌های رسمی اعلام کرده است که موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه، حمایت از هرگونه اصلاحات به نفع مردم این کشور و مخالفت با دخالت امریکا و کشورهای دنباله‌رو آن در مسائل داخلی سوریه است، که می‌توان آن را «دکترین راهبردی جمهوری اسلامی ایران

در منطقه» به‌شمار آورد. ایشان در اهمیت و ضرورت حمایت از دولت سوریه فرموده‌اند: «حضور در کشورهای منطقه و طرفداری ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی، عمق راهبردی جمهوری اسلامی است؛ جمهوری اسلامی نمی‌تواند از این امر صرف‌نظر کند؛ هیچ دولت عاقلی صرف‌نظر نمی‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۳/۰۲). با توجه به حدیث شریف «مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا» می‌توان گفت آن کسانی که در خانه نشستند تا به آنها حمله بشود، دچار ذلت شدند. این جور نباشد که یک چهاردیواری را انتخاب کنیم و دیگر کارمان به این نباشد که پشت این دیوار چه کسی است، چه تهدیدی وجود دارد. این نگاه وسیع فرامرزی، و این امتداد عمق راهبردی، گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است که مورد توجه قرار بگیرد که خیلی‌ها متوجه این نیستند، خیلی‌ها توجه به این ندارند (۱۳۹۸/۰۷/۱۰).

بر این اساس، سوریه نه‌تنها عمق استراتژیک منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، بلکه حفظ موقعیت، جایگاه و نفوذ در سوریه و منطقه شامات، چه از لحاظ ایدئولوژیک و چه از لحاظ ژئوپلیتیکی و استراتژیکی، چنان با امنیت ملی و بقای آن گره خورده است که به نظر می‌رسد رفتار این بازیگر در حمایت از سوریه، از منظر چارچوب پارادایم نواقع‌گرایی و رویکرد موازنه تهدید، کاملاً مطابق با اصول روابط بین‌الملل و نظام امنیتی خاورمیانه باشد.

پژوهش حاضر از آن جهت اهمیت دارد که بررسی و شناخت علل و عوامل بحران سوریه و تحولات آن، و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند گام مهمی در تقویت و حفظ امنیت کشور محسوب شود. در این راستا، هدف پژوهش این است که ضمن بررسی چالش‌ها و منازعات بحران در سوریه، تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهد.

۲. روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی بوده، و نوع تحقیق کاربردی-توسعه‌ای می‌باشد که پژوهشگران عرصه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای، دیپلمات‌های وزارت خارجه، مسئولین لشکری و کشوری در حوزه جغرافیای سیاسی و نظامی و دانشجویان این رشته می‌توانند در راستای امور تخصصی از آن بهره‌برداري کنند.

۳. پیشینه تحقیق

بررسی تحقیقات پیشین حاکی از آن است که پژوهش‌های متعددی در ارتباط با بحران سوریه،

صورت گرفته است، از جمله:

ربیعی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان: «بحران سوریه و امنیت ملی ایران از دیدگاه نظریه موازنه تهدید»، چند هدف را پیگیری کردند که عبارتند از: ۱- تبیین دلایل اهمیت راهبردی سوریه برای ایران؛ ۲- تشریح نحوه تأثیرگذاری بحران سوریه بر امنیت ملی ایران در حوزه‌های مختلف؛ ۳- تبیین نحوه رقابت ایران با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سوریه و ۴- تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال بحران سوریه.

عباسی (۱۳۹۴)، نیز در پژوهشی با عنوان «بحران سوریه و تبلور نظریه واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، به بررسی اهمیت استراتژیک سوریه در خاورمیانه می‌پردازد و وجود دشمن (تهدید) مشترک بین ایران و سوریه را که همانا اسرائیل است، عامل اتحاد این دو کشور بیان می‌کند.

صادقی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «بحران سوریه و مناقشه ژئوپولیتیک قدرت‌های منطقه‌ای»، رویکرد محور محافظه‌کار شامل کشورهای عربستان سعودی و ترکیه را تهاجمی و برای افزایش قدرت و جایگاه‌شان در منطقه می‌پندارد و رویکرد جمهوری اسلامی ایران را تدافعی معرفی می‌کند.

در سایر پژوهش‌های موجود، به تأثیر متقابل بحران ژئوپولیتیک سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کمتر پرداخته شده است، لذا، انجام این تحقیق، نوآوری و ضرورتی بالا داشته است.

۴. مفهوم‌شناسی تحقیق

۱. بحران: اصطلاح بحران حدود مشخصی ندارد و در آن اختلاف نظر زیادی وجود دارد. در دیدگاه سیستمیک، بحران وضعیتی است که یک تغییر ناگهانی در یک یا چند قسمت از عوامل متغیر سیستم به وجود می‌آورد (کمالی، ۱۳۹۳، ص ۳۲). بحران مرحله‌ای از اختلاف است و وجه مشخصه آن بروز ناگهانی وقایع دور از انتظار در نتیجه اختلاف‌های قبلی می‌باشد؛ اما گاه اقدامات خصمانه ناگهانی و دور از انتظار یک طرف تنش‌ها و تهدیدات تصویری را به نقطه‌ای می‌رساند که سیاست‌گذاران دولت پاسخ‌دهنده مجبور می‌شوند از میان دو شق افراطی، جنگ یا قبول، یکی را برگزینند. از نظر سیاست‌گذاران، نشانه‌های بحران عبارتند از:

۱) اقدامات غیرقابل پیش‌بینی (غافل‌گیرکننده) طرف مخالف؛

- (۲) احساس عظیم بودن خطر؛
 (۳) احساس ضیق وقت برای تصمیم‌گیری یا پاسخ‌گویی؛
 (۴) احساس به وجود آمدن عواقب مصیبت‌بار به دلیل اقدام نکردن (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۴۲).

۲. چالش: ^۱ تأمل در کاربرد واژه چالش در متون سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد که معانی تعارض، جدال، مانع، مشکل، آسیب و آفت از این واژه، مورد نظر بوده است. با استفاده از معنای لغوی «چالش» و نیز برخی عناصر معنایی متبادر از کاربرد این واژه در ادبیات اجتماعی امروز، تعریف زیر برای چالش قابل ارائه است: «شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده، و حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد». خصوصیات «چالش»، در این تعریف عبارتند از:

- (۱) عینی بودن؛
- (۲) جدید بودن وضعیت؛
- (۳) ناظر به آینده بودن؛
- (۴) بیرونی و غیرارادی بودن آن؛
- (۵) اقتضای تلاشی سخت و تعیین‌کننده که ناشی از فراگیر بودن و به مبارزه طلبیدن کل جامعه است (ذوعلم، ۱۳۸۴، ص ۲۶).

۳. منازعه: ^۲ واژه منازعه به وضعیتی اشاره دارد که در آن گروه انسانی معینی (به لحاظ قبیله‌ای، قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره) با گروه یا گروه‌های انسانی معین دیگری به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهدافشان، تعارضی آگاهانه داشته باشند. «لوئیس کوزر» منازعه را چنین تعریف می‌کند: «مبارزه‌ای بر سر ارزش‌ها و مطالبه منزلت، قدرت و منابع نادر که در آن هدف هریک از طرفین خنثی کردن، صدمه زدن یا نابود کردن رقبای خویش است». منازعه با رقابت محض یکسان نیست. هنگامی رقابت به منازعه تبدیل می‌گردد که طرفین بکوشند موقعیت خویش را با تنزل دادن موقعیت دیگران، تقویت کرده و مانع از دستیابی سایرین به اهدافشان شده و رقبای خود را از دور خارج و یا حتی نابود کنند. با توجه به شرایط مختلف،

1. Challenge
 2. Conflict

منازعات می‌توانند خشونت‌آمیز یا غیرخشونت‌آمیز و از نظر فیزیکی آشکار یا نهان، قابل کنترل یا غیرقابل کنترل و حل شدنی یا لاینحل باشند. به عبارت دیگر، منازعه پدیده‌ای است که در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، ارزشی و غیره وجود دارد؛ و می‌تواند حالت تشنج، بدبینی، سوءظن، خصومت، مسابقه تسلیحاتی و جنگ را دربرگیرد (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۴۳).

۴. امنیت ملی: امنیت ملی^۱ از مفاهیم رایج در علوم سیاسی می‌باشد، که تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است، معنی کردن مفهوم امنیت ملی در جهان امروز کار پیچیده‌ای است. امنیت ملی حالتی است که ملتی بدون نگرانی از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا سرزمین خود به سر می‌برد (ماندل، ۱۳۸۷، ص ۴۳). در فرهنگ مک میلان امنیت ملی «توان دفاع و حفاظت از ارزش‌ها و شهروندان یک ملت» تعریف شده است (Macmillan, 2010). لیپمن محقق آمریکایی، اولین کسی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف نموده، و می‌گوید: «هر ملتی تا جایی دارای امنیت است که در صورت عدم توسل به جنگ، مجبور به رها کردن ارزش‌های محوری نباشد و اگر در معرض چالش قرار گیرد، بتواند با پیروزی در جنگ، آن‌ها را حفظ کند (Wolfers, 1962, p.150). اگر بخواهیم تعریفی جامع و کامل برای امنیت ملی ارائه دهیم، عبارت است از: امنیت ملی مصون‌نگاه داشتن ارزش‌های حیاتی یک ملت در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعلی است که می‌توانند خاستگاه داخلی یا خارجی داشته باشند (صالح‌نیا و بختیاری، ۱۳۹۷، ص ۲۶۰).

۵. بحران سوریه: جرقه بحران سوریه در شهر مرزی درعا در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۱۱ میلادی با شعارنویسی چند دانش‌آموز نوجوان علیه نظام حاکم زده شد (Ghasemian, 2013, p. 58). این اقدام با واکنش نامناسب دولت سوریه مواجه شد و بعد از آن درگیری‌ها افزایش یافت. بحران سوریه، به یک سری تظاهرات گسترده اجتماعی و در نهایت درگیری‌های نظامی - امنیتی در کشور سوریه بازمی‌گردد. در واقع، جنگ داخلی کنونی براساس شکاف‌های قومی این کشور شکل گرفته است که با دخالت بازیگران داخلی، منطقه‌ای و جهانی، به یک بحران تمام عیار ملی تبدیل شد (Ahmadi & Bahrami, 2015, p. 200).

۶. عوامل بحران: در سازماندهی عوامل که در بحران‌ها مؤثرند، آنها به دو دسته کلی «عوامل ثابت» و «عوامل متغیر» تقسیم‌بندی می‌گردند. عوامل ثابت در حقیقت همان پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی هستند و عوامل متغیر که ممکن است برخی از آنها نیز منشأ طبیعی داشته باشند، به دلیل مطرح بودن نقش کمیّت در آنها، جزء عوامل متغیر محسوب می‌شوند. عوامل با توجه به ماهیتی که دارند، به شش دسته تقسیم شده‌اند:

- ۱) عوامل طبیعی (مانند موقعیت طبیعی، وضع ناهمواری‌ها و وضع آب و هوا)،
- ۲) عوامل انسانی (مانند شاخص‌های جمعیتی و ویژگی‌های قومی، مذهبی، هویتی)،
- ۳) عوامل نظامی (مانند قدرت نظامی و کمیّت و کیفیت آن)،
- ۴) عوامل سیاسی داخلی (مانند ساختار حکومتی، وضعیت مرزها و نهادهای سیاسی)،
- ۵) عوامل سیاسی بین‌المللی (مانند معاهدات بین‌المللی و روابط با کشورهای دیگر)،
- ۶) عوامل اقتصادی (مانند شاخص‌های اقتصادی و فعالیت‌های اقتصادی).

۵. چارچوب نظری تحقیق

۱. مکتب کپنهاگ و امنیت ملی: یکی از مکاتبی که مسئله امنیت را مورد توجه و مطالعه قرار داده، مکتب کپنهاگ است. توجه مکتب کپنهاگ به مطالعات امنیتی دوره پسا جنگ سرد و تحولات گسترده‌ای که در حوزه امنیت رخ داده، است. مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ که مکتب کپنهاگ یکی از شاخه‌های فکری آن به‌شمار می‌آید، توسط پارلمان دانمارک در سال ۱۹۸۵ میلادی تأسیس شد. نتایج پژوهش‌های درخشان این مکتب باعث شد که در ۱۱ ژوئن ۲۰۰۱ میلادی، پادشاه دانمارک فرمان الحاق این مؤسسه را به وزارت امور خارجه صادر کند. هم‌اکنون مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ در زمینه امنیت بین‌المللی، بحران‌های منطقه‌ای، مسئله هویت، مهاجرت، پناهندگی، امنیت اجتماعی و مطالعات موردی فعالیت می‌کند. در این بین آنچه که به عنوان مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی مشهور شده، از سوی این صاحب‌نظران مطرح نشده است، بلکه اصطلاحی است که بیل مک سوئینی برای معرفی آثار و نقطه‌نظرات باری بوزان، ال ویور و دیگران در سال ۱۹۹۶ به‌کار برده است (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۲-۱۷۳). از آن پس کلیه آثار مشابه با این شیوه تفکر در خصوص مطالعات امنیتی، با عنوان مکتب کپنهاگ، مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار گرفته است. بوزان نگاه تک‌بعدی و مضیق نظریات سنتی راجع به امنیت را به پنج بعد امنیتی نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه می‌دهد. مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بوده است، لذا،

در این حوزه مطالعات امنیتی، نظامی محور است. از مهم‌ترین نوآوری‌های این مکتب در زمینه امنیت، سه اصل مهم به این شرح است:

۱. سطح تحلیلی آن حوزه بین‌الملل نیست و بیشتر به حوزه منطقه‌ای گرایش دارد.
۲. بخش‌ها و ابعاد امنیت متعدد بوده و صرفاً عرصه نظامی را شامل نمی‌شود.
۳. در خصوص امنیتی کردن موضوعات نیز دیدگاه‌های خاصی را دنبال کرده و باور به نفی آن دارد.

مکتب کپنهاگ بر آن است تا مسائل سنتی امنیتی را به چالش بکشد و موضوعات تازه‌ای را بر آن بیفزاید. در این راستا، از جمله مفاهیم مهم این مکتب، امنیتی ساختن و امنیت منطقه‌ای است، که بوزان آن را مرکز ثقل علمی این مکتب می‌داند (آذرشب، ۱۳۹۶، ص ۱۲۲). سطح تحلیل مکتب کپنهاگ، امنیت منطقه‌ای است. از آنجایی که موضوع حاضر بر تهدیدات امنیت ملی در محیط منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تمرکز دارد، این نظریه بهتر می‌تواند موضوع مورد نظر ما را پوشش دهد. شاخص‌بندی تهدیدات امنیت ملی که از جانب بنیادگرایی اسلامی در منطقه متوجه جمهوری اسلامی ایران است، با ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی امنیت ملی که در مکتب کپنهاگ بحث می‌شود، تقریباً منطبق است.

۲. **رویکرد نواقع‌گرایی:** نواقع‌گرایی که به آن واقع‌گرایی ساختاری نیز اطلاق می‌شود، برای اولین بار توسط کنت والتز^۲ در سال ۱۹۷۹ مطرح شد. وی در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل»^۳ به تبیین اصول واقع‌گرایی ساختاری پرداخت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ص ۳۴). از دیدگاه نواقع‌گرایی، آنارشیک بودن نظام بین‌الملل مبتنی بر ترس و بی‌اعتمادی، عدم قطعیت و رقابت است، دولت‌ها همواره در پی افزایش قدرت خود هستند. اگر در این نظام، دولت‌ها قدرت خود را افزایش ندهند، دیگر دولت‌ها قدرت خود را به حداکثر می‌رسانند و این امر موجب کاهش امنیت‌شان شده و محدودیت‌هایی را بر دولت‌ها اعمال می‌کند که آنها مجبور می‌شوند رفتار خاصی اتخاذ کنند (بازرگان و پوراحمدی، ۱۳۹۷، ص ۹۰). با توجه به ساختار دائماً کشمکش‌زا و بحران‌آمیز نظام امنیتی خاورمیانه و همچنین با توجه به تقابل دو جریان حامیان و مخالفان دولت سوریه، استفاده از رویکرد نواقع‌گرایی برای تبیین پدیده‌های منطقه غرب آسیا و بحران سوریه

1. Neo-realist approach
 2. Kenneth Waltz
 3. Theory of International Politics

نسبت به سایر نظریه‌های روابط بین‌الملل، مناسب به نظر می‌رسد. این رویکرد از آنجایی که هدف اصلی رفتار بازیگران بین‌المللی را تأمین منافع و امنیت می‌داند، برای تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار در پژوهش حاضر مناسب به نظر می‌رسد.

۶. عوامل بحران سوریه

فضای ژئوپلیتیک هر کشور یا منطقه‌ای تحت تاثیر عوامل مختلف، و با کارکردهای متفاوت می‌تواند طیفی از شرایط آن کشور یا منطقه را تعریف و تبیین نماید. سطوح بحران سوریه عبارتند از:

الف) سطح داخلی بحران سوریه

سوریه کشوری است که اکثر مشکلات سیاسی و اجتماعی کنونی آن ریشه در تاریخ دارد و این مسأله به سبب موقعیت خاص جغرافیایی آن بوده است. این کشور پیوسته محل برخورد اقوام و نژادها و عقاید و فرهنگ‌های مختلف بوده است. موجودیت برخی دولت‌های خاورمیانه و شمال آفریقا، محصول استعمار بوده، و نه معلول نیاز مردمی که در آن به سر می‌برند. مرزهای این کشور را قدرت‌های استعماری بعد از جنگ جهانی اول و بدون توجه به روابط جغرافیایی، فرهنگی، تاریخی و اقتصادی موجود در کل منطقه ترسیم کردند (دارایسدل و بلیک، ۱۳۶۸، ص ۲۴۴). یکی از مسائلی که در زمینه علل و عوامل داخلی وقوع بحران سوریه می‌بایستی مدنظر قرار گیرد، بحث شکاف‌های اجتماعی است که مهم‌ترین این شکاف‌ها عبارتند از: شکاف‌های قومی، هویتی و مذهبی که در قالب تعارضات درون‌گروهی شیعه- سنی و برون‌گروهی کردی- عربی قابل بحث و بررسی است. در سطح داخلی سوریه، سه شکاف عمده مذهبی، سیاسی و اقتصادی در شکل دادن به سمت و سوی حوادث کشور مؤثر بوده است. در سطح داخلی در این سطح، نیروهای مخالف و موافق در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند. به طور کلی مخالفان سوری را می‌توان به شش گروه عمده تقسیم نمود:

- کردها که در حال حاضر به دلیل تفاهم حکومت سوریه با آنها از جرگه معارضان خارج شده‌اند؛

- اخوان المسلمین به رهبری علی صدرالدین البیانونی؛

- معارضان خارجی سوریه (به نمایندگی برهان غلیون، رئیس شورای ملی سوریه)؛

- تنسیق: حزب تنسیق ملی؛

- سلفی‌ها: با حمایت و پشتیبانی عربستان سعودی؛

- ارتش آزاد سوریه: به فرماندهی ریاض الاسعد؛

- داعش (اصلی‌ترین گروه تروریستی سازمان‌یافته).

مخالفان با بهره‌برداری از تحولات اخیر جهان غرب و مسائلی مانند دموکراسی و حقوق بشر، سعی می‌کنند افکار عمومی منطقه‌ای و بین‌المللی را برای سرنگونی دولت اسد به خود جلب نمایند. در مقابل، نیروهای امنیتی و ارتش همچنان صحنه مبارزه را به نفع خود در دست دارند و در بسیاری موارد هم موفق شده‌اند تا نیروهای معارض را از شهرهای مهم سوریه به بیرون برانند (عسگرخانی و عبدالسلام، ۱۳۹۵، ص ۱۶).

در حال حاضر قریب به یک دهه از آغاز بحران در کشور سوریه می‌گذرد و در تمام این سال‌ها نظریات و تئوری‌های مختلفی در خصوص علل آغاز بحران در این کشور مطرح شده است. یکی از مسائلی که در زمینه علل وقوع بحران در سوریه می‌بایستی مدنظر قرار گیرد، بحث شکاف‌های اجتماعی است که مهم‌ترین این شکاف‌ها عبارتند از: شکاف‌های قومی، هویتی و مذهبی که در قالب تعارضات درون‌گروهی شیعه- سنی و برون‌گروهی کردی- عربی قابل بحث و بررسی است.

ب) سطح منطقه‌ای بحران سوریه

سطح منطقه‌ای بحران سوریه، که به‌زعم این پژوهش مهم‌ترین بُعد آن است، به دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای مربوط می‌شود. در واقع، تداوم بحران سوریه ناشی از رقابت بین دو جریان متضاد مقاومت و محافظه‌کار عربی در منطقه خاورمیانه است. در این میان سوریه در محور مقاومت از جایگاه ژئوپلیتیک و استراتژیک ویژه‌ای برخوردار است، چراکه حلقه اتصال بین ایران و عراق با مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین است. از ویژگی‌های بحران سوریه، دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم عوامل بیرونی است؛ به گونه‌ای که با شروع اعتراضات از مارس ۲۰۱۱، بازیگران مهم منطقه‌ای تکلیف خود را در قبال آن می‌دانستند. از یک طرف اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، و بویژه عربستان و قطر، به همراه ترکیه و اسرائیل، رضایت و حمایت کامل خود را از معترضان داخلی و خارجی بشار اسد، اعلام نمودند و به تلاش‌های خود در جهت نفوذ بیشتر و مدیریت اعتراضات افزودند. از طرف دیگر، ایران، حزب‌الله و دولت لبنان و عراق به حمایت از دولت بشار اسد و ثبات حکومت وی می‌پردازند (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴). در نگاه اغلب تحلیل‌گران غرب آسیا، یکی از اهداف اصلی عربستان، به عنوان اصلی‌ترین عامل انسانی منطقه‌ای در بحران سوریه، تضعیف جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در منطقه

است، که با همراهی ترکیه و قطر در مقام حامیان مخالفان نظام سیاسی سوریه، اصلی‌ترین بازیگران منطقه‌ای دخیل در بحران می‌باشند که علیه نظام سوریه متحد استراتژیک ایران، وارد عمل شده‌اند. به صورت مستقیم با ارسال نیروهایی یا تشکیل گروه‌های شبه نظامی و گماشتن مزدوران، ارسال سلاح و کمک‌های مالی و پرداخت حقوق به معترضان و به صورت غیرمستقیم با حمایت‌های رسانه‌ای، تبلیغاتی و فشار سیاسی در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای علیه دولت سوریه، در امور داخلی این کشور نقش‌آفرینی می‌کنند (آجرلو، ۱۳۹۰، ص ۶۱). از آنجایی که عربستان، سوریه را به دلیل حمایت از جریان مقاومت و حزب‌الله، باعث عامل نفوذش در لبنان می‌داند، بنابراین این تحولات فرصت مناسبی را در اختیار عربستان قرار داد تا بتواند از سوریه و در مرحله بعد ایران انتقام بگیرد.

ج) سطح بین‌المللی بحران

یکی از عوامل اصلی گستردگی و تداوم بحران سوریه، جایگاه ویژه ژئوپلیتیک آن است، ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و چین نیز به دنبال منافع استراتژیک و اقتصادی خود در منطقه هستند. از یک سو بحران سوریه را همچون تهدیدی برای منافع استراتژیک خود می‌نگرند و از سوی دیگر به عنوان فرصتی برای محکم کردن مواضع و گسترش نفوذ خود در منطقه، به تحولات سوریه چشم دوخته‌اند. در خصوص تبیین مسئله سوریه از لحاظ سطح بین‌المللی، نقش و اهداف دو قدرت بزرگ فرامنطقه‌ای حائز اهمیت است. ایالات متحده در بحران سوریه دو هدف عمده را دنبال می‌کند: اول حفظ امنیت اسرائیل و دوم نفوذ در محور مقاومت (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱، ص ۱۶۵). بر این مبنای دیدگاه غرب، در جهت مهار نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و به ویژه آمریکا، چنانچه سوریه که حلقه وصل اعضای محور مقاومت است، سقوط کند و جهت سیاست خارجی این کشور به سوی جریان محافظه‌کار تغییر یابد، به نوعی شاید امنیت اسرائیل پس از انقلاب‌های عربی و به ویژه انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ در مصر، تا حدی ترمیم خواهد شد.

۶-۱. رویکردهای بازیگران و عوامل انسانی درگیر در بحران سوریه

بحران ژئوپلیتیک سوریه، برآیند تعامل و تقابل قدرت میان بازیگران در سه سطح «بازیگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای» است. در این میان، چند بازیگر برجسته و عمده وجود دارند. مهم‌ترین نیروهای درگیر در بحران سوریه براساس جدول شماره (۱) عبارتند از:

جدول ۱- بازیگران و عوامل انسانی درگیر در بحران سوریه (عباسی، ۱۳۹۴، ص ۹۱)

عنوان	سطح	بازیگران بحران	رویکرد آنها در بحران
تجزیه و تحلیل بازیگران و عوامل انسانی تأثیرگذار در بحران سوریه	داخلی	حامیان: حکومت سوریه، نیروهای مسلح سوریه، نیروهای دفاع ملی سوریه (بسیج مردمی)، علویان مخالفان: اخوان المسلمین، ارتش آزاد، داعش، جبهه النصره، جیش الفتح، کردها	دفاع و حمایت از حکومت سوریه و حفظ آن در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی مخالفان حکومت سوریه و خواهان تغییر آن
	منطقه‌ای	حامیان: جمهوری اسلامی ایران، عراق، گروه‌های هم‌پیمان جبهه مقاومت اسلامی (حزب‌الله لبنان، حشد الشعبی عراق، فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان) مخالفان: رژیم صهیونیستی، عربستان، ترکیه، قطر، امارات، مصر، اردن، جریان ۱۴ مارس لبنان	حمایت دیپلماتیک و خواهان حفظ حکومت، حمایت اقتصادی و عدم اجرای تحریم‌های اقتصادی، حمایت مستشاری نظامی - امنیتی فشار دیپلماتیک و خواهان تغییر حکومت، حمایت لجستیکی، مالی و تسلیحاتی دیپلماتیک از مخالفان، تحریم اقتصادی، جنگ روانی علیه ملت و دولت سوریه
	بین‌المللی	حامیان: روسیه، چین مخالفان: آمریکا، اتحادیه اروپا (فرانسه، انگلیس، آلمان)	حمایت دیپلماتیک و خواهان حفظ حکومت، حمایت اقتصادی و عدم اجرای تحریم‌های اقتصادی فشار دیپلماتیک و خواهان تغییر حکومت، حمایت مالی و دیپلماتیک از مخالفان، تحریم اقتصادی گسترده

۲-۶. مدل مفهومی سطح تعامل و منازعات بازیگران بحران سوریه

قدرت‌های منطقه‌ای تأثیرگذار در بحران سوریه براساس چند عامل دسته‌بندی می‌شوند:

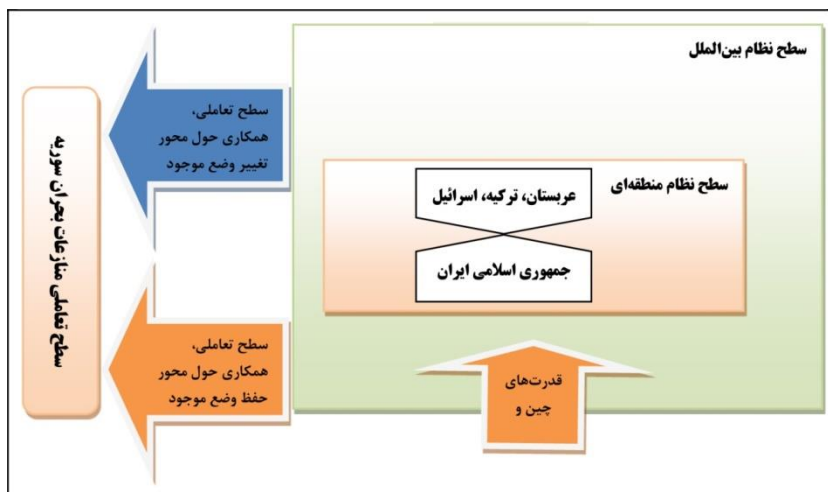
الف) طرفداران تغییر وضع موجود

ترکیه، عربستان و رژیم اسرائیل به عنوان رقبای منطقه‌ای، و آمریکا و اتحادیه اروپا به عنوان رقیب جهانی.

ب) طرفداران حفظ وضع موجود

جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای و روسیه و چین به عنوان قدرت فرامنطقه‌ای. با توجه یافته‌های تحقیق، مدل مفهومی سطح تعاملی منازعات بحران ژئوپلیتیکی سوریه در شکل (۱) به تصویر کشیده شده است:

شکل ۱- مدل مفهومی سطح تعاملی منازعات بحران ژئوپلیتیک سوریه



۳-۶. عوامل ژئوپلیتیک موثر در بحران سوریه

عوامل ژئوپلیتیک^۱ عبارت است از هر عامل جغرافیایی که در تعامل با قدرت، در سیاست مورد استفاده قرار گیرد (شمس دولت‌آبادی، ۱۳۸۸، ص ۲۸). فضای ژئوپلیتیک هر کشور یا منطقه‌ای تحت تاثیر عوامل مختلف، و با کارکردهای متفاوت می‌تواند در طیفی از شرایط آن کشور یا منطقه را تعریف و تبیین نماید. عوامل ژئوپلیتیک درگیر در بحران سوریه با توجه به معادلات چندوجهی و دخالت کنشگران متفاوت و ارائه تصاویری دقیق‌تر از بحران سوریه، در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. عوامل موثر ژئوپلیتیک بحران سوریه براساس یافته‌های تحقیق در جدول شماره (۲) آمده است.

جدول ۲- عوامل ژئوپلیتیک موثر در بحران سوریه (عباسی، ۱۳۹۴، ص ۹۱)

عنوان	عوامل	سطح داخلی	سطح منطقه‌ای و بین‌المللی
تجزیه و تحلیل عوامل بحران سوریه	عامل (۱) اقتصادی	بحران اقتصادی، فساد مالی، نابرابری اقتصادی، حزب بعث‌سالاری در اقتصاد و نابرابری منطقه‌ای، توسعه نیافتگی مناطق شرقی و جنوبی، محرومیت نسبی در آحاد اجتماعی	فشار و تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اتحادیه عرب به سوریه، قطع ارتباط مالی و بلوله کردن دارایی‌های سوریه در بانک‌های جهانی، سرقت نفت سوریه
	عامل (۲) اجتماعی	رشد جمعیت جوان و بیکار، رشد آزادی‌خواهی، تعارضات قومی- مذهبی، گسست اجتماعی و سلطه عرب‌ها و سرکوب کردها، بی‌عدالتی اجتماعی، طرد اجتماعی و نادیده گرفته شدن تبعیضات (شغلی، درآمدی، استخدامی، خدماتی، مهارتی و آموزشی مهاجران)	بهره‌گیری از قدرت رسانه جنگ روانی و انحراف افکار عمومی جامعه سوریه، حجم آوارگان و پناهندگان سوری
	عامل (۳) سیاسی	نظام تک‌حزبی، سرکوب و اخراج احزاب سیاسی، سرکوب شدید اعتراضات داخلی، الگوگیری از بیداری اسلامی و موفقیت اعتراضات مردمی در کشورهای عربی منطقه	مقابله و حذف جبهه مقاومت و کاهش نفوذ ایران و روسیه در خاورمیانه، تأمین و افزایش امنیت اسرائیل، توسعه هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا
	عامل (۴) فرهنگی- مذهبی	بنیادگرایی اسلامی و احیای سلفی‌گری و افراط‌گرایی دینی، توسعه سکولاریسم، بحران هویت، تعارضات مذهبی (سلطه اقلیت علویان بر اکثریت اهل سنت)	حمایت رئیس مجمع علمای اسلامی (قرضاوی) از مخالفین حکومت سوریه، فعالیت گسترده عربستان در جهت توسعه وهابیت و سلفی‌گری، فعالیت گسترده ترکیه در جهت توسعه اخوان المسلمین
	عامل (۵) دفاعی- امنیتی	نامنی داخلی و بحران امنیتی، حضور جریان‌های سلفی تکفیری داخلی و خارجی و ایجاد جنگ نیابتی در جهت اهداف حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود.	ارسال سلاح و تجهیزات نظامی آمریکایی و اروپایی به سوریه، آموزش نظامی به مخالفان حکومت سوریه، انتقال جنگجویان سلفی تکفیری از سراسر جهان به سوریه، پشتیبانی لجستیکی از مخالفان
	عامل (۶) انسانی	حامیان نظام سیاسی سوریه (نیروهای مسلح سوریه، نیروهای دفاع ملی سوریه، علویان)، مخالفین نظام سیاسی سوریه (اخوان المسلمین، ارتش آزاد، داعش، جبهه النصره، جیش الفتح، کردها)	قدرت‌های منطقه‌ای حامی نظام سیاسی سوریه، قدرت‌های منطقه‌ای مخالف نظام سیاسی سوریه، قدرت‌های فرامنطقه‌ای حامی نظام سیاسی سوریه، قدرت‌های فرامنطقه‌ای مخالف نظام سیاسی سوریه

۷. یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حوزه‌های امنیت ملی طبق دسته‌بندی مکتب کپنهاگ، از چهار حوزه امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت فرهنگی- اجتماعی، و امنیت نظامی تأمین می‌شود و زمانی می‌توان از امنیت ملی یک کشور صحبت کرد که نظام سیاسی آن کشور در چهار

حوزه مذکور مناسب و درست عمل کرده باشد. تأثیر بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۷-۱. تأثیر بحران سوریه بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

در حوزه امنیت اقتصادی می‌توان عنوان کرد که بی‌شک تهدید اقتصادی، سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیدات در چارچوب امنیت ملی است (بوزان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۸). امنیت اقتصادی در حقیقت یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین زیرساخت‌های توسعه در همه نظام‌های اقتصادی است. وجود امنیت اقتصادی، بستر لازم را برای رشد پایدار اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند (عزتی و دهقان، ۱۳۸۷). بیش از ۴۰ سال است که ایالات متحده، به منظور تأثیرگذاری بر ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جمهوری اسلامی را مورد هدف قرار داده است. مکانیسم اجرایی پیچیده تحریم‌های ایالات متحده علیه نهادهای اقتصادی، تجاری و بانکی ایران در اقتصاد بین‌الملل و ظرفیت‌های بالقوه جمهوری اسلامی، به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، نگرانی کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی و دیگر متحدان منطقه‌ای ایالات متحده را در خصوص تمایل جمهوری اسلامی به گسترش حوزه نفوذ و استقرار در جایگاه هژمون منطقه دربرداشته است. به ویژه اسرائیل، نگران افزایش حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های مخالف اسرائیل، حزب‌الله لبنان و حماس و افزایش توان مالی، نظامی و احتمال دسترسی این دو گروه به تسلیحات موشکی است. تحریم و فشارهای اقتصادی ایالات متحده آمریکا به بهانه نفوذ منطقه‌ای، حمایت مالی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی از جبهه مقاومت، علیه منافع این کشور، مشکلات مختلفی را برای ایران به وجود آورده است. تحریم مهم‌ترین ابزار جایگزین حملات نظامی در سیاست خارجی ایالات متحده پس از دوران جنگ سرد بوده و گسترش همکاری‌های بین‌المللی و وابستگی‌های متقابل اقتصادی میان کشورها، باعث تأثیرگذاری بیشتر تحریم‌ها با صرف هزینه‌های کمتر شده است. توجه هرچه بیشتر به اقتصاد مقاومتی و دیپلماسی اقتصادی با همسایگان، با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران، به چند طریق از بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای جلوگیری می‌کند و در نتیجه، موجب تحقق اهداف استراتژیک و توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. ایران در سال‌های اخیر کمترین تعامل اقتصادی منطقه‌ای را داشته و از مزایای آن محروم مانده است.



شکل ۲- نمودار رشد اقتصادی، براساس گزارش سازمان برنامه و بودجه ایران در ۱۳۹۹

منبع: <https://www.jamaran.news-59/1495325>

از آنجا که صادرات نفتی دولت ایران، ۶۴٪ درآمد صادراتی کشور می‌باشد، بنابراین، تحریم‌های نفتی بر اقتصاد انرژی جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار خواهد بود. به طور کلی طی ۱۰ سال اخیر، اعمال تحریم‌های چندجانبه از سوی نهادهای امریکایی و اروپایی، به تدریج کلیه بخش‌های کشور از بخش‌های مالی، بانکی و بیمه گرفته تا نفت، گاز و پتروشیمی، کشتیرانی، کشتی‌سازی و حمل و نقل، طلا، انواع فلزات گران‌بهاء، اسکناس و سکه، انواع کالا و فن‌آوری، سرمایه‌گذاری، آموزش‌های تخصصی، فلزات، نرم‌افزار و تسلیحات را دربرگرفته و به یک بازی متوالی فرسایشی تبدیل شده است. تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقتصادی را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

- ۱) بحران‌های ناظر بر فضای اقتصاد کلان کشور؛
- ۲) نفوذ و جاسوسی در حوزه اقتصادی و صنعتی؛
- ۳) فشار، تحریم و انزوای اقتصادی ایران؛
- ۴) تحریم‌ها و ممنوعیت‌های تجاری ایران.

این ناامنی اقتصادی یک هدف دارد و آن ناکارآمدسازی دولت است تا به صورت مستقیم بر مردم و نارضایتی آنها اثر بگذارد. بنابراین، ضروری است یک قرارگاه برای پدافند غیرعامل در حوزه اقتصاد در وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل و راهبردهای اقتصاد مقاومتی و مسائل مرتبط در آن، بررسی، پایش و مدیریت شود.

۷-۲. تأثیر بحران سوریه بر امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

فرهنگ، هویت مذهبی و قومی و رسوم، همگی موضوعات امنیت اجتماعی هستند که

دولت‌ها باید در رابطه با حفظ امنیت ملی به این مؤلفه‌ها توجه کنند. بنابراین، تضعیف وحدت ملی و تشدید اختلافات قومیتی در ایران یکی از تهدیدهای امنیت اجتماعی است که باید بررسی شود. در هر صورت باید توجه کرد که مشکل اصلی تهدیدات اجتماعی از لحاظ امنیت ملی این است که اغلب آنها در داخل کشور واقع شده‌اند. از آنجایی که اصولاً امنیت اجتماعی به الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت مذهبی و قومی و رسوم مربوط است، این ارزش‌ها اغلب در داخل کشور مورد تهدید قرار می‌گیرند (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵). در این راستا، یکی از پیامدهای بحران ژئوپلیتیک سوریه برای ایران، گسترش ناامنی، افراط‌گرایی و تنش‌های مذهبی در عراق و سوریه، و سرایت آن به ایران است که تنش‌ها و تهدیدات جدی را در داخل ایران به وجود می‌آورد. طرح‌های تجزیه‌طلبانه در سوریه و عراق و تقویت گروه‌های جدایی‌طلب در این کشورها می‌تواند گروه‌های اقلیت داخل ایران را تشویق به مطالبات بیشتر برای خودمختاری کند. با توجه به نقش مذهب به عنوان یکی از رشته‌های وحدت ملی، رشد جریان‌های سلفی‌گری می‌تواند وحدت ملی ایرانیان را مورد خدشه قرار دهد. یکی دیگر از تهدیدات راهبردی رخنه سلفی‌گری این است که می‌تواند پتانسیل وقوع برخی تنش‌های فرقه‌ای را در استان‌های سنتی نشین غربی و جنوب غربی جمهوری اسلامی مانند کردستان، کرمانشاه و خوزستان به وجود آورد (طحامنش و قدیری، ۱۳۹۱، ص ۱۸۶).

۷-۳. تأثیر بحران سوریه بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران

امنیت نظامی ناظر بر قابلیت و توانایی نیروهای مسلح برای حفاظت از ملت، دولت و ارزش‌های اساسی و حیاتی آنها در برابر تهدید و تهاجم نظامی خارجی است (روشندل، ۱۳۷۴، ص ۱۹). بُعد نظامی، کلاسیک‌ترین برداشت از مفهوم امنیت است. معمولاً اقدام نظامی می‌تواند همه اجزای حکومت را تهدید کند و در عمل هزینه‌های فراوانی را چه در حوزه مرز و چه در حوزه نزدیک به مرز متحمل شود. مجاورت سرزمینی از نظر بوزان برای موجودیت یک مجموعه امنیتی، ملاک ارزشمندی است. با توجه به اینکه تهدیدات در فاصله‌های نزدیک، شدت و نمود بیشتری دارند و کشورها از تهدیدات امنیتی در مجاورت خود بسیار نگران هستند، هرگونه کنش و واکنش را در دولت‌های همسایه زیر نظر دارند (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴، ص ۶).

مناطق مرزی، از نقاط حساس و استراتژیک کشور به حساب می‌آیند، طبیعت منزوی و غیار حاصلخیز مناطق مرزی، بخصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی ایران پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی، زمینه‌ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای

دولت‌ها بوده است. یکی از مولفه‌های تهدیدهای امنیت ملی در مناطق مرزی، خطرات ناشی از نفوذ اندیشه وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری در کشورهای پیرامونی و داخلی، و اقدامات آنها است. گرایش به جریان سلفی - تکفیری وهابیت در مرزنشینان شرق کشور سال‌هاست که یکی از دغدغه‌های مسئولین سیاسی و امنیتی است و بدین جهت پیشگیری از نفوذ اندیشه‌های مخرب وهابیت در گرو شناخت عواملی است که موجب گسترش و ترویج این نحله در کشور شده است. تهدیدات بحران ژئوپلیتیکی سوریه و عراق و در گام بعدی در محیط پیرامونی ما (جغرافیایی - مرزی) و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تلاش داعش جهت تصرف و سقوط دولت عراق با ناامن کردن مرزها و فراهم کردن زمینه قاچاق تسلیحات نظامی به داخل کشور و نیز پشتیبانی و اعزام گروه‌های تروریستی می‌تواند چالشی بزرگ را در پی داشته باشد. جنگ و درگیری ناشی از بحران در عراق و سوریه در برهه‌ای تا نزدیکی مرز غربی کشور (۵۰ کیلومتری) ما نیز رسیده بود، که منجر به ورود جمهوری اسلامی ایران با هدف تأمین امنیت کشور و شهروندان خود در ابعاد مختلف، به عرصه مبارزه با تروریسم شد. انگیزه و تلاش رهبران داعش برای انجام عملیات‌های تروریستی در ایران، از اعلامیه‌های صادر شده از طرف آنها قابل فهم است. مهم‌ترین اقدام در این زمینه عملیات تروریستی داعش به ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ (۷ ژوئن ۲۰۱۷) در تهران بود که در نتیجه آن ۱۷ نفر شهید شدند و ۵ مهاجم نیز کشته و حدود ۵۲ نفر زخمی شدند (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۰-۱۸۱).

جدول ۳- همگرایی جریان‌های سلفی - تکفیری در بحران سوریه (داخلی و منطقه‌ای) (فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ص ۶۵)

جریان	حوزه فعالیت	کشورها	گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳	گروه ۴	گروه ۵	گروه ۶
جریان‌های سلفی تکفیری تحت تأثیر بحران ژئوپلیتیکی سوریه (داخلی و منطقه‌ای)	غرب آسیا (خاورمیانه)	عراق	القاعده	حزب التحریر	داعش	مناصروا و اهل السنه		
		سوریه	داعش	جیش الاسلام	جبهه النصره			
		لبنان	جیش الاسلام	فتح الاسلام	عبدالله عزام			
		اردن	داعش	القاعده				
	آسیای مرکزی	ایران - شمال غرب	انصارالاسلام	توحید و جهاد	انصار السنه	کتابت کردستان	احفاد صلاح‌الدین	ابناء صلاح‌الدین
		ایران - جنوب غرب	حرکه النضال					
		ایران - جنوب شرق	جندالله	جیش العدل	گروهک فرقان	حرکت انصار	سپاه صحابه	جیش النصر
	آسیای مرکزی	ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان و...	داعش	القاعده				

جریان	حوزه فعالیت	کشورها	گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳	گروه ۴	گروه ۵	گروه ۶
	شبه جزیره عربستان	عربستان، قطر، کویت	داعش	القاعده				
		یمن	انصار الشریعه	القاعده	داعش			
	افغانستان	داعش	القاعده	طالبان				
	شبهه قاره هند	پاکستان	سپاه صحابه	القاعده	طالبان	لشکر جهنگوی	لشکر طیبه	جیش محمد
		هند	لشکر جهنگوی	القاعده				

۴-۷. تأثیر بحران سوریه بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اغلب می‌توان از پارادایم نواقع‌گرایی بهره جست. بر مبنای این پارادایم، مهم‌ترین منفعت و هدف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تأمین و تضمین بقا و امنیت در نظام بین‌الملل آنارشیکی و خودیار است. از مهم‌ترین پیامدهای حمایت جمهوری اسلامی از حکومت سوریه، ایجاد یک اتحاد راهبردی جدید منطقه‌ای در قالب کشورهای روسیه، ایران، عراق، سوریه و حزب الله لبنان است. این اتحاد که به واسطه مبارزه علیه داعش و ورود روسیه به عرصه تحولات سوریه و اشتراک منافع مسکو با تهران در منطقه شامات و مقابله با رقیب مشترک دو دولت یعنی ایالات متحده آمریکا شکل گرفته است، بزرگ‌ترین چالش سیاست‌های هژمونی آمریکا در منطقه خاورمیانه که پس از اتمام جنگ سرد، مهم‌ترین تعیین‌کننده نظام امنیتی خاورمیانه به ویژه خلیج فارس بوده است، محسوب می‌شود. آنچه در راستای تحولات سوریه و قدرت‌گیری ایران و روسیه در منطقه به وجود آمده، متزلزل شدن نظم آمریکایی منطقه است. در حقیقت، به نظر می‌رسد که خاورمیانه در آستانه پیدایش یک نظم امنیتی جدید و رقیب در منطقه است، نظامی که در آن روسیه، حداقل در مناسبات سوریه، به محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران نزدیک شده است. حضور پر قدرت روسیه و جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه پیام مهم اتمام دوران تک‌قطبی نظام بین‌الملل و شروع دوران چندقطبی و شکل‌گیری یک نظام امنیتی رقیب در خاورمیانه را می‌رساند؛ اما باید به این نکته توجه داشت که مسکو هیچ‌گاه متحد استراتژیک تهران نبوده است، چراکه بر اساس رویکرد نواقع‌گرایی، دولت‌ها همواره به دنبال منافع نسبی خود هستند (بازرگان و پوراحمدی میبدی، ۱۳۹۷، ص ۹۲).

۱. شکل‌گیری الگوی منازعه به جای همکاری: یکی دیگر از تأثیرات بحران سوریه در سطح امنیت سیاسی منطقه‌ای، افزایش منازعات میان بازیگرانی است که در سال‌های نه چندان دور، تنش‌زدایی را به عنوان الگوی مسلط سیاست خارجی خود با همسایگان برگزیده بودند. در این میان

روابط ایران و عربستان در سال‌های اخیر در سطح منطقه‌ای و به ویژه در سوریه به واسطه خصومت ایدئولوژیکی مذهبی همراه با رقابت برای کسب منافع سیاسی و ژئوپلیتیکی، با هدف دستیابی به هژمونی منطقه‌ای تنش‌زا شده است. در واقع به دلیل درک ریاض از تلاش ایران برای تثبیت نفوذ منطقه‌ای خود، تغییر جهت در سیاست خارجی این کشور و تلاش برای افزایش هم‌پیمانان عربی جدید به عنوان عامل توازن بالقوه در برابر تهدیدات فزاینده ایران، امری مشهود به نظر می‌رسد.

۲. تضعیف متحد استراتژیک (سوریه) ایران: یکی از عوامل تهدیدزا در محیط امنیتی ایران، اندک بودن متحدان استراتژیک است. سوریه به عنوان تنها متحد استراتژیک ایران می‌تواند نقش مهمی برای سیاست‌های امنیتی ایران بازی کند. اما بحران سوریه ممکن است منجر به همان چیزی شود که بوزان از آن به عنوان تحول ساختاری در مجموعه امنیتی نام برده که ناشی از حضور قدرت‌های خارجی در این مجموعه است. از طرفی در مورد سوریه نیز باعث برهم خوردن مجموعه امنیتی در قبال ایران خواهد شد، چراکه روند تغییر در ساختار قدرت سوریه باعث تغییر در صف‌بندی میان کشورها می‌شود و این صف‌بندی و آرایش جدید بازیگران منطقه باعث حضور فراگیرتر بازیگران فرامنطقه‌ای شده و در نتیجه منجر به انزوای بیشتر ایران در محیط امنیتی منطقه‌ای خواهد شد (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳، ص ۱۵۰-۱۵۱).

۳. برهم زدن ساختار قدرت و موازنه قوا در منطقه: آنچه بر مناسبات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و سوریه یک هویت جمعی باثبات و پایدار بخشیده است، همسویی مواضع و استراتژی‌های سیاست خارجی، اشتراکات منافع، اشتراکات فرهنگی و قومی و... است. در همین راستا، باری بوزان معتقد است عنصر اصلی که باید به روابط قدرت افزوده شود، الگوی دوستی و دشمنی بین دو دولت است. از آنجا که اشتراکات منافع و ایدئولوژیک می‌تواند مبنای شکل‌گیری این الگو قرار گیرد، اتخاذ سیاست خارجی یکسان تهران و دمشق در برابر اسرائیل و تا حدودی آمریکا و همچنین حمایت از حزب الله لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطینی، بستر مناسبی را برای کنار هم قرار گرفتن هویت اسلامی شیعی - ایرانی و ناسیونالیسم عربی - سوری فراهم کرد.

۸. نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، این باور مطرح شده که بحران سوریه با اعتراض‌های مردمی و با اهداف اصلاحی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آغاز شد و در آغاز، شکل و شمایل جنبش اجتماعی داشت، اما با نقش‌آفرینی منفی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، این جنبش به سرعت منحرف شد و به سمت تهدیدات امنیتی و جنگ داخلی ویرانگر سوق یافت. جمهوری اسلامی

ایران نیز به عنوان یک بازیگر قدرتمند منطقه‌ای، از آغاز شکل‌گیری بحران در سوریه، همواره تلاش نموده تا با حساسیت ویژه‌ای موضعی کاملاً متفاوت از دیگر بازیگران در پیش گرفته و حمایت از نظام سیاسی سوریه را به عنوان یکی از اولویت‌های مهم امنیت ملی پیگیری نماید. مواضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به بحران سوریه مبتنی بر رویکرد واقع‌گرایانه، ژئوپلیتیکی و همپوشانی منافع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و دولت-ملت سوریه بنا شده است؛ چراکه پیروزی گروه‌های تکفیری بنیادگرا در سوریه و تشکیل و تثبیت خلافت اسلامی در منطقه می‌تواند در بلندمدت بزرگ‌ترین تهدید امنیتی برای محور مقاومت اسلامی، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز ژئوپلیتیک شیعه در منطقه از جمله عراق و سوریه باشد که در صورت شکست در این جنگ، با توجه به شرایط بحرانی و تهدیدآمیز منطقه، نتیجتاً توان دفاعی-امنیتی ایران در مرزهایش به شدت تضعیف خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران شاهد تهدیدات بسیاری از سوی مخالفان و هم‌پیمانان آنان است، پس، برای نیل به امنیت ملی خود باید به سیاست موازنه‌تهدید روی آورد. جمهوری اسلامی برای رسیدن به این هدف در میدان سوریه با چند قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حال نبرد است که هر یک برحسب منفعی، در سوریه مداخله کرده‌اند. ترکیه، عربستان و رژیم صهیونیستی به عنوان رقبای منطقه‌ای، و آمریکا و برخی کشورهای اروپایی (فرانسه، انگلیس و آلمان) به عنوان رقیب فرامنطقه‌ای. تداوم بحران در سوریه به جهت فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی بر این کشور می‌تواند به تضعیف بیشتر نظام سیاسی سوریه و در نهایت سقوط آن بینجامد. این موضوع می‌تواند تهدیدات پیش‌روی ایران را دوچندان کند.

پیامدها و تهدیدات امنیتی ناشی از چالش‌ها و منازعات بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، براساس دسته‌بندی‌های انجام شده توسط اندیشمندان مکتب کپنهاک، در چهار دسته اصلی قرار می‌گیرند:

۱) امنیت نظامی: ^۱ تهدید مرزها و به خطر افتادن تمامیت ارضی و انجام فعالیت‌های تروریستی در داخل،

۲) امنیت سیاسی: ^۲ تضعیف محور مقاومت از طریق تضعیف دولت‌های شیعه در عراق، سوریه و لبنان، برهم خوردن موازنه قوا در منطقه به نفع عربستان، ترکیه و اسرائیل و حضور

1. Military-police security
2. Political security

قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل آمریکا در منطقه خاورمیانه و انزوای جمهوری اسلامی ایران،
(۳) امنیت فرهنگی - اجتماعی:^۱ تفرقه‌انگیزی و افزایش تنش‌های قومی و مذهبی جمهوری
 اسلامی ایران،

(۴) امنیت اقتصادی:^۲ بحران‌های ناظر بر فضای اقتصاد کلان کشور، نفوذ و جاسوسی اقتصادی
 و صنعتی، فشار، تحریم و انزوای اقتصادی ایران، تحریم‌ها و ممنوعیت‌های تجاری ایران. بر این
 اساس، سوریه نه تنها عمق استراتژیک منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، بلکه
 حفظ موقعیت، جایگاه و نفوذ در سوریه و منطقه شامات، چه از لحاظ ایدئولوژیک و چه از لحاظ
 ژئوپلیتیک و استراتژیک، چنان با امنیت ملی و بقای جمهوری اسلامی ایران گره خورده است که به
 نظر می‌رسد رفتار این بازیگر در حمایت از سوریه، مطابق با اصول روابط بین‌الملل و نظام امنیتی
 منطقه‌ای باشد.

-
1. Socio-cultural security
 2. Economic security

منابع

- آجرلو، حسین (۱۳۹۰). تحولات سوریه: ریشه‌ها و چشم‌اندازها. *مطالعات خاورمیانه*، ۱۸(۳).
- آدمی، علی؛ کشاورز، مقدم، الهام (۱۳۹۴). جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۴(۱۴).
- آذرشب، محمدتقی و همکاران (۱۳۹۶). جایگاه امنیت در مکتب کپنهاگ: چارچوبی برای تحلیل. *علوم سیاسی*، ۱۳(۴۰).
- اسماعیل‌زاده امامقلی، یاسر؛ احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۹۵). داعش و امنیت ملی ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۵(۱۸).
- اکرمی‌نیا، محمد (۱۳۹۹). رویکردهای سیاست خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشرگی در سوریه و تأثیر آن بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۰(۴۰).
- بابایی، موسی حامد (۱۳۹۴). *تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی بر انتخاب راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- بازرگان، ابوالفضل؛ پوراحمدی میبدی، حسین (۱۳۹۷). ابعاد سیاسی و امنیتی حمایت از سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۹(۳).
- بوزان، باری (۱۳۸۹). *مردم، دولت‌ها و هراس*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۳/۰۲). *بیانات در دیدار مسئولان نظام*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39655>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۷/۱۰). *دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه با فرمانده کل قوا*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=43615>
- دارایسدل، آلاسدایر؛ بلیک، جرال د اچ. (۱۳۶۸). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*. ترجمه علی دره شیری. تهران: جغرافیا.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- ذوالفقاری، مهدی؛ ابوذر، عمرانی (۱۳۹۶). تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۷(۲)، ص ۱۶۹-۱۹۵.
- ذوعلم، علی (۱۳۸۴). *تأملی در مفهوم چالش؛ واژه چالش در ادبیات اجتماعی - فرهنگی ایران*. زمانه، ۴(۳۶).
- ریبعی، حسین؛ نقدی، جعفر؛ نجفی، سجاد (۱۳۹۶). بحران سوریه و امنیت ملی ایران از دیدگاه نظریه موازنه تهدید. *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۹(۳۰)، ص ۸۷-۶۱.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*. تهران: انتشارات سمت.
- سیمبر، رضا؛ قاسمیان، روح‌الله (۱۳۹۳). *مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه*. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۳(۹).
- شمس دولت‌آبادی، محمدرضا (۱۳۸۸). *علائق ژئوپلیتیکی و استراتژی ملی؛ مورد ایران نسبت به آسیای مرکزی*.

- تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- صادقی، سید شمس‌الدین؛ اخوان کاظمی، مسعود؛ لطفی، کامران (۱۳۹۴). بحران سوریه و مناقشه ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۴(۱۶)، ص ۱۰۷-۱۲۸.
- صالح‌نیا، علی، بختیاری، حسین (۱۳۹۷). اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP). *مطالعات راهبردی*، ۸(۲۷).
- طحامنش، علیرضا؛ قدیری، حجت‌الله (۱۳۹۱). سلفی‌گری در عراق جدید و تأثیر آن بر مباحث قومی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران. *امنیت پژوهی*، سال ۱۱(۳۷).
- عباسی (اشلقی)، مجید (۱۳۹۴). بحران سوریه تبلور نظریه واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۹(۳۲)، ص ۸۵-۱۰۴.
- عزتی، مرتضی؛ دهقان، محمد علی (۱۳۸۷). *امنیت اقتصادی در ایران*. تهران: دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- عسگرخانی، ابومحمد؛ عبدالسلام، تقی (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵. *علوم سیاسی*، ۱۲(۳۷).
- فیروزآبادی، سید حسن (۱۳۹۳). *تکفیری‌های داعش را بشناسیم*. تهران: نشر دانشگاه عالی دفاع ملی.
- کمالی، محمدرضا (۱۳۹۳). *نقش عوامل ژئوپلیتیک کشور عربستان در تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ماندل، رابرت (۱۳۸۷). *چهره متغیر امنیت ملی*. تهران: مطالعات راهبردی.
- نیاکوئی، امیر؛ بهمنش، حسین (۱۳۹۱). بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها. *روابط خارجی*، شماره ۴.
- Ahmadi, Gh. & Bahrami, Z. (2015). US performance in Chemical disarmament Syrian. *Defense Policy Magazine*, 23(3), p.199-227.
- Definition of National Security*. Macmillan Publishers limited, 2010.
- Ghasemian, R. (2013). *Investigation into Syrian developments Roots, actors and outcomes*. Tehran: Publications of the Secretariat of Islamic Awakening Studies.
- Wolfers, A. (1962). *Discord and Collaboration*. Baltimore: Johns Hopkins.